

کلید واژه «اتحاد» برای نجات خاتون

نگاهی به مفهوم ملیت و هویت در سریال «خاتون»

محسن شرف‌الدین

می‌توانیم از ذوق کوچک مردمان آن سال‌ها بابت رابین هود ایرانی که از کیسه دشمن می‌دزدید و به شکم گرسنه مردمش واریز می‌کرد آگاه باشیم. از همین دستاوردهای کوچک که چون روزنه نور در پهنای تاریکی چشم را خیره می‌کرد... این را خوب می‌دانیم که یک مجموعه نمایشی با کیفیت مثل «خاتون»، با یک رویکرد درست و محتوایی احترام‌برانگیز، حتی در دوره‌ای که هویت و ملیت‌مان نیاز به تجدید قوا و ارزش‌هایمان نیاز به یادآوری دارند، چقدر می‌تواند تأثیرگذار و جریان‌ساز باشد. مجموعه‌ای که پس از چشیدن طعم تلخ پایان آن، به ما یادآور می‌شود که هر دستاورد و پیشرفتی که می‌خواهیم، اگر در پی مفهوم آزادی هستیم، آن را باید خودمان در میان خودمان، در داخل مرزهای پایدارمان جست‌وجو کنیم. حتی در میان همه دعوای حزبی و گروهی و اعتقادی... این مهم‌ترین نکته این ایام غریب و ترسناک است که با اتمام سریال «خاتون» مدام به ما یادآور می‌شود که هویت‌مان اعتبار و ارزشی ست که سازمان‌دهنده همه خواسته‌های بعدی‌مان خواهد بود. «خاتون» به ما یادآور می‌شود که دودستگی ترسناک این روزهای مردم ما در اعتقاد و باور و اعتراضات برای چگونگی اداره کشور و یا حکومت بر سر کار، هر چه که هست، در نهایت نباید ارزش‌های ملی و هویت تاریخی ما را طعمه بدخواهان قرار دهد. تنها نگاهی کوتاه و گذرا به تاریخ این راه به ما ثابت می‌کند.

قهرمان پیشرو زنانه، معرفی گردد. نکته جالب این است که سریال «خاتون» روایت تاریخ ۸۰ سال پیش این مملکت را در دستور کار قرار داده ولی هدف‌گذاری به روز و تازهای را در لایه‌های زیرین روایت داستان خود دنبال کرده و پیام‌های به‌روز شده‌ای را منتقل می‌سازد. شاید در ابتدا به‌عنوان شنونده، چنین روایت جسورانه‌ای از زن ۸۰ سال پیش در جامعه سنت زده ایرانی غیر قابل باور می‌بود ولی فیلمساز به‌درستی توانسته با انتخاب مقطع تاریخی مناسب و جغرافیای دقیق روایتش و همچنین با بازآفرینی شخصیت‌های واقعی و تاریخی، نگاهی متفاوت به گذشته پر از التهاب ایران و زنان قهرمان آن دوران بیاندازد. خاتون نمادی از زن مبارز می‌سازد که جدا از پیروزی یا شکست قهرمان در پایان ماجرا، انگیزه‌های همراه با جسارت، عشق و از خودگذشتگی را تبلیغ می‌کند. قطعاً شکی در این نیست که تینا پاکروان به‌عنوان کارگردان و نویسنده در مقطعی که نگارش و ایده‌پردازی این مجموعه تاریخی را در ذهن می‌پروراند نیم‌نگاهی هم به شرایط دوران معاصر و گرفتاری‌های سیاسی و اقتصادی روزمره مردمش داشته است. ولی جالب اینجاست که درست در تکاپوی ساخت و پخش این سریال، ناگهان اتفاقاتی در جهان و ایران به وقوع می‌پیوندد که همگی ما را یاد وقایع تاریخی روایت‌شده در سریال «خاتون» می‌اندازد.

سریال خاتون با تأکید روی کلیدواژه‌های هویت و ملیت، داستان اشغال ایران توسط دو قوای نظامی روس و انگلیس را در بطن جنگ جهانی دوم روایت می‌کند. دورانی که ایران اعلام بی‌طرفی کرده بود و مورد هجوم قرار گرفت و بدون مقاومت حکومتی کشور را تسلیم نیروهای خارجی کرد تا پل پیروزی روس‌ها و انگلیسی‌ها لقب بگیرد! قحطی، بیماری و جنایت و غارت از کوچکترین شهرها تا مرکز پایتخت به او جوش رسید و این کشور مثلاً بی‌طرف، بخشی از هویت خود را در حال معامله می‌دید. دورانی که هنوز هم می‌توان حوادث تاریخی بعد از آن را، از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا انقلاب ۱۳۵۷ و... متأثر از تلخی و تحقیر آن دانست. حالاً این شب‌ها که اخبار هجوم ارتش روسیه به مرزهای اوکراین و فتح شهرهای مختلفش و مقاومت طرف مقابل را می‌بینیم و بعد با تصاویر مشابهش در بازسازی سریال خاتون از حمله ۸۰ سال پیش روسیه به خاک ایران مقایسه‌اش می‌کنیم شاید خیلی ملموس‌تر بتوانیم حال‌روز اجدادمان را در آن ایام تلخ و تاریک درک کنیم. این شب‌ها که احتمالاً خیلی‌ها از مقاومت رئیس‌جمهور خوش‌تیپ اوکراینی‌ها و تسلیم نشدنش در برابر چوب زور روس‌ها سرکیف آمده‌اند،

سریال «خاتون» خواسته یا ناخواسته در موقعیت تاریخی غریبی از جهان پیرامون مادر حال پخش و نمایش بود. سوالی که از همان قسمت‌های ابتدایی پخش این سریال ذهن ما را درگیر می‌کرد این نکته بود که با توجه به دوگانه‌های سیاسی امروز جامعه، آیا «خاتون» اسیر حاشیه خواهد شد؟ یکی از نکات مشهود سریال «خاتون»، کنایه‌های سیاسی آن نسبت به حوادث تاریخی و مقاربتش با اتفاقات روز کشور است. مثلاً این دیالوگ را در نظر بگیرید:

اگر روس‌ها بیان اولین کاری که می‌کنند اینه که به این دیکتاتوری پایان میدن موسیو.
هیچ وقت هیچ اجنبی دلش برای ما نمیسوزه.
شمار تجاعی فکر می‌کنید.

چنین سکانس و گفت‌وگویی را اگر بردارید و به حوادث روز منتقل کنید، عیناً می‌شود دعوای آشنای سیاسی بین دوتنه‌ها مثلاً اصلاح‌طلب و برانداز، یا ملی‌گرا و آزادی‌خواه. پس بی‌دلیل نیست اگر در طول پخش سریال «خاتون» طیف‌های سیاسی، بنا بر مصلحت خویش، برداشت‌هایی متفاوت از مضامین سریال ارائه دهند و شاهد حاشیه‌هایی در این زمینه باشیم. روایت تاریخی، آن هم تاریخ معاصر که کلی شاهد و مستندات برایش موجود است، شاید از سخت‌ترین کارهای یک فیلمساز در این زمانه باشد. این کار جسارت می‌خواهد و حالا با اتمام پخش مجموعه «خاتون» می‌توان مدعی شد که با همه کاستی‌های فنی و ضعف‌های داستانی، در نهایت پیام‌های سریال «خاتون» تنها به شعرهای کلیشه‌ای محدود نشد و نگرشی جدی و جدید حداقل به مقوله «ملیت» و «هویت» داشت.

از طرفی پرداخت با جزئیات به کاراکتر خاتون با بازی جالب توجه نگار جواهریان، در عرصه نمایشی کشور ما که شخصیت‌ها و قهرمان‌های زنانه قوی و جذاب به‌ندرت می‌یابیم یکی از برتری‌های سریال «خاتون» برای موفقیتش محسوب می‌شود. این شخصیت واجد خصوصیات منحصر به فردی شده که در سینما و تلویزیون ایران کم‌سابقه و تحسین‌برانگیز است. زنی که در ابتدا یک مادر و همسر نزدیک به انتظارات سنت از جایگاه یک زن را ارائه می‌دهد ولی با گذشت زمان و در ادامه در پیچ و تاب داستانی و در کشاکش وقایع غیر قابل کنترل، وارد کارزار مبارزه ناخواسته و تلاشی بی‌پایان برای بقا می‌شود؛ تا جایی که منافع فردی با منافع گروهی و مبارزه‌های وطن پرستانه همسو می‌شود و او این عمل قهرمانانه را نمایندگی می‌کند؛ تلاشی توسط یک فیلمساز زن که می‌تواند در راستای خلق یک مجموعه تاریخی با تم

